21
09
19
شنبه
۳۰ شهریور ۱۳۹۸
۲۱ محرم ۱۴۴۱
شماره ۲۹۲۷

تیمارستان اینستاگرام

درباره لودگی در شبکه‌های اجتماعی و دیده شدن به هر قیمتی

ناصر حق‌خواه

قسمت جست‌وجوی اینستاگرام این روزها علاوه بر چیزهای چندش‌آور یا تکراری همیشگی مثل حضور فلان بازیگر با محافظ و خودرو گران و لباس عجیب در یک مراسم و کلیپ غذا خوردن با سروصدای یک نفر که وظیفه هوس‌انگیزی غذا را دارد و مقایسه کیفیت دریبل‌های مسی و رونالدو! پدیده جدیدی را هم در خود می‌بیند. صفحه‌هایی که برای دست انداختن و مضحکه آدم‌های عجیب و غریب و احمق‌های مجازی راه افتاده‌اند و با حالتی عاقل‌اندرسفیه در حال تمسخر این افراد هستند. با چند استدلال و یکی، دو توضیح می‌شود بگوییم که اگر لوده واقعی آن کسانی هستند که در این طور صفحه‌ها مضحکه می‌شوند، اشتباه بزرگ‌تر را گردانندگان این صفحات انجام می‌دهند.

از سنگ سخت تا قلب قرمز!

حتما در فیلم‌های تاریخی دیده‌اید که معمولا عده‌ای کودک در حال سنگ زدن به دیوانه‌ای هستند که در آن شهر می‌چرخد. این رسم سنگ زدن یا تمسخر یا تحقیر افراد کندذهن، بد و اشتباه است، اما ارج نهادن و قلب و گل فرستادن برای آنان و تشویقشان به دیوانه‌بازی‌های بیشتر و بیشتر هم قطعا کم خطایی نیست. این قلب و گل فرستادن، همان چیزی است که پای پیج دیوانه‌های مجازی می‌بینیم. فردی که مایع ظرفشویی و کیوی و گل پلاستیکی را با هم مخلوط می‌کند و می‌خورد یا بدصدا و بی‌هنری که بازشت‌ترین صدای ممکن زیر آواز می‌زند، گوشه‌ای از برنامه‌های سیرک اینستاگرام‌اند که این روزها آدم‌ها فقط با پوزخند و تأسف از کنارش رد نمی‌شوند؛ بلکه صفحه‌هایی تخصصی برای پیدا کردن این گونه افراد درست شده‌است که دربه‌در دنبال یک لوده جدید می‌گردند که برایش دست بگیرند و فیلم و کلیپ‌هایی را که می‌گذارد، در پیج خودشان بازنشر کنند تا ملت آن را ببینند! این کار یک نقض غرض بزرگ است. صفحه‌ای که مثلا برای کوبیدن چنین افرادی تشکیل شده‌است، به جایگاهی برای تبلیغ و ترویج و طرف‌دار پیدا کردن آنان تبدیل می‌شود و صفحه خود این افراد که شاید کلا چندصد بازدیدکننده داشته است، ناگهان چندین هزار پای ثابت پیدا می‌کند. مشکل فقط این نیست؛ مشکل بزرگ‌تر آنجاست که مبلغان لوده‌ها کم کم به سودجوها و کاسبان حماقت تبدیل می‌شوند و کارشان در حد و اندازه یک دلقک اینستاگرامی نمی‌ماند.

کاسبان لودگی!

استاد پرخیده! که نام یکی از این افراد عجیب اینستاگرام است که عربده و جیغ بنفش را مخلوط با آواز تحویل ملت می‌داد و چندماه مضحکه کامنت‌های پیجش بود و لقب استاد هم از همین جا برایش پیدا شد، همین چند هفته پیش یک کنسرت برگزار کرد! بعضی از همین کسانی که مواد را باهم ترکیب می‌کردند یا با همراهی یک نفر دیگر پای بساط قلیان و لب استخر و پشت فرمان کلیپ منتشر می‌کردند، الان به ترکیه و امارات مهاجرت کرده‌اند و از آنجا بازهم این جور چیزها را در صفحه‌شان می‌گذارند و پول هنگفت به جیب می‌زنند. سؤالتان این است که چه پولی و از کجا؟ هر لایک من و شما و هر کامنتی که برای تمسخر این نوع افراد می‌گذاریم و هر بازنشر کلیپ‌هایشان، باعث می‌شود که با پشتوانه کردن این لایک و کامنت‌ها تبلیغ‌های بیشتری بگیرند و از سایت شرط‌بندی تا بوتیک لباس و تزریق ژل و لاغری را تبلیغ کنند. حالا لیدر ترویج این ویدئوها چه کسانی هستند؟ کسانی که بازار این لوده‌ها را با ساختن صفحه‌هایی برای نشان دادن حماقت آنان داغ‌تر می‌کنند و اسمش را تیمارستان و خز و خیل کده و دیوانه‌خانه و این‌طور چیزها می‌گذارند. یک گام جلوتر برویم؟ بعضی از این لوده‌های جدید، آن‌قدر هم ساده نیستند و عمدا کارهایی می‌کنند که این‌طور پیج‌ها کلیپشان را منتشر کنند و فیلم اختصاصی برای آنان می‌سازند؛ تا به این وسیله صفحه‌شان پربازدیدتر و قیمت تبلیغشان بیشتر و خنده‌شان به ریش ملتِ از همه‌جا بی‌خبرِ اینستاگرام گرد شدیدتر شود!

حاضرجواب

درآمد ۷۰درصد ایرانی‌ها زیر خط فقر است.
مسئولان اقتصادی: داریم اون ۳۰درصد باقی مونده رو هم میاریم زیر خط فقر. جمع تر بشینید که اون‌ها هم جا شن.

زنگنه: آمریکا از نفت به‌عنوان سلاح استفاده می‌کند.
احمدی‌نژاد: درصورتی که از نفت باید به‌عنوان غذا استفاده کنیم و بیاریمش سر سفره مردم!

عضو هیئت رئیسه مجلس: مجلس در برخورد با نجومی‌بگیران، تعارف ندارد.
به نجومی‌بگیرها گفتیم: «با هم که تعارف نداریم؛ حقوق خودتونه، هرقدر دوست دارید، بردارید.»

خودنمایی کوله‌پشتی‌های دومیلیون تومانی در بازار
که داخلش پر است از شکاف طبقاتی!

تاریخ عرضه سیستم عامل‌های اپل جلو افتاد.
یک مدیر داخلی: اون‌ها دچار خطای راهبردی شدند. به جای اینکه کار امروز رو بندازن فردا، کار فردا رو انداختن امروز!

همتی، رئیس بانک مرکزی: راه‌اندازی بازار باز در دستورکار قرار دارد.
یعنی جلوی برچسب قیمت‌ها جا باز گذاشتیم که اگه خواستیم، به قیمت‌ها صفر اضافه کنیم!

کله ونگ

مُشتبا نخعی‌راد

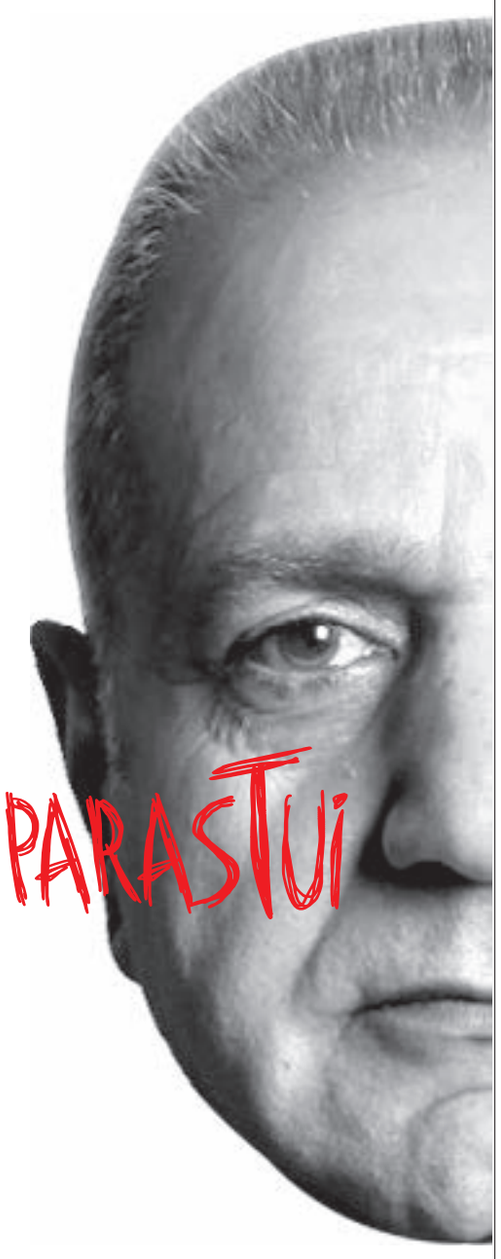

دِداش «پرویز» هیجده‌چرخ سوارمِره!

یَره مُو چی شانسی دِرُم، اینجه هم یَگ تصادف به این خَفنگی رِفته، ولی مُو دیر به هم گشتُم و نِرسیدُم یگ سلفی اونجه بگیرُم. کدوم تصادف؟ جانِ مُشتبا ندیدن؟ دداش گُلم «پرویز پرستویی» با یَگ تریلی هیجده‌چرخ از رو مدیر شبکه ۳ رد شده. نمدنُم کدوم یَرگه مِشَنگی که عقلش پاره‌سنگ وَرمداشته، شایعه کرده همی «علی فروغی» که دره همه برنامه‌های شبکه ۳ ره تارت‌وپارت مُکنه، قراره رئیس صداوسیما بشه! دداش فروغی هم مثکه باورش رِفته و مگه نه دداش، اینا شایعه است و وَرمِدره یگ بادنجونی دور قاب «علی عسکری» مچینه که ندیدن و نشُنفتن! آخرشم مگه: «همو یَرگه سلبریتی پلَنگ‌دماغ که شب عید مگه بایَس شبکه رادیکال ۳ تحریم بره، یَگ ماه‌ونیم بعد مگه مُو پای سیریال ماه رمضون همو شبکه رادیکال، دَرُم اشک مریزُم!»

مُو که حسابُم ضعیفه و از رادیکال و انتگرال و ایجور چیزا سرُم درنمیه، ولی چش‌تا روز بد نبینه، دداش پرویز ای ره که مِشنُفه، مره تو پیجش و سوار هیجده‌چرخ هموجو از روش رد مِشه! مگه: «پسر باجناق فلانی، مُو نگفتُم تلویزیون نگا نمُکنُم. مُو تلویزیون اینجه و اونجه ره نگا مُکنُم. فقط نمدنُم تلویزیون مال باباته یا بذت ارث ریسیده که وقتی تخصص ندری، وَرمِدری مدیر شبکه مری؟ یَره تو که هنوز سنی ندری، نمِخه خیلی خودته خسته کنی. ای میزی که پشتش نشستن، وفا نمُکنه و فردا دست یکی دیگه میُفته!»

دداش! خوبیت نداره جلو دَروهمسده ایقَذه کله‌وَنگ همدگه مرن. علیَ‌آقا! شما هم هموجو درن تخته‌گاز تو جاده خاکی مرن و هر کار دلتا مخه، مُکنن ها! دداش پرویز! با شمایم هستُم. شمایم که مبینن صداوسیما دگه ایقذه خورده که زدن ندره. وَردرن یگ جعبه شیرینی خامگی بیگیرن و برن روی همدیگه ره ببوسن و صلوات بفرستن.

به وقت شله

معضل مسئولان با دوربین

محمدعلی محمدپورا

خبرها را داشتم مرور می‌کردم که رسیدم به خبر لکه‌گیری آسفالت یک خیابان در یکی از شهرهای ایران. در عکس منتشرشده مشخص است که بسیاری از مسئولان، مظلومانه آمده‌اند توی داغی آفتاب، دارند بر پروژه لکه‌گیری آسفالت خیابان نظارت می‌کنند. واقعا امیدواریم ضدآفتابشان را زده باشند که یک موقع پوستشان خراب نشود. به هرحال دو روز دیگر می‌خواهند یک موقع جایی کاندیدا شوند، ما راضی نیستیم توی پوسترها که به افق خیره شده‌اند، عکسشان بد بیفتد. بعضی‌ها در فضای مجازی پرسیده بودند واقعا لازم است برای یک لکه‌گیری ۲۰ در ۳۰سانت این همه مسئول صف بکشند و حضور داشته باشند؟ باید توجه کنید من مطمئن هستم که فقط حضور خالی نبوده است. مسئولان در ادامه، شخصا نفری یک مشت قیر داغ هم با دست برداشته و روی خیابان پاشیده بودند که دوربین متاسفانه کم کاری کرده و آن‌ها را ثبت نکرده است. حالا باز خوب است در همین هفته، خیلی اتفاقی درحالی که مدیر منطقه آزاد قشم با کودک کاری روبه‌رو شده بود، یک نفر دوربین به‌دست خیلی اتفاقی به سمت آن‌ها دوید و خیلی اتفاقی همان لحظه آقای مدیر یک ۵۰هزار تومانی به کودک داد و خیلی اتفاقی همه‌چیز ثبت شد و برای اینکه دقیق‌تر متوجه شویم، دوباره کودک را هم دنبال کردند و از او خواستند پول را نشان دهد. همچنین در همین هفته، عکسی از یک شرکت خاص چسب منتشر شد که در آن دو کارگر درحالی که قاشق و چنگال در دست داشتند، روی تاب نشسته بودند و یک پرس چلوکباب و نوشابه، جلویشان فتوشاپ شده بود. در توضیح عکس آمده بود: «احترام به کارکنان با تاب‌بازی و موارد لازم در هل». خیلی اتفاق جالبی است اگر قرار باشد احترام به کارکنان با فتوشاپ حاصل شود؛ چون از فردا مدیران و مسئولان همه سازمان‌ها روی میز کارمندان و کارگرانشان، یک کیسه پر از پول، فتوشاپ و احترام را در حقشان تمام می‌کنند؛ البته شرکت هل توضیح داده است: «طراح، وقت ناهار استراحت کرد و وقت کار عکس گرفت؛ برای همین فتوشاپ شد». می‌بینید که این دوربین لعنتی کلا در ثبت کارهای مسئولان و مدیران مشکل دارد و آنجا که باید باشد، کم کاری می‌کند.

خط رو خط

آن شیء قرمز ناشناس

مهدی محمدی

بابا با یک پلاستیک کوچک به خانه آمد که داخلش یک شیء ناشناس قرمزرنگ بود.
- بابا این چیه؟
- بهش می‌گن گوشت قرمز!
در کسری از ثانیه خودم را به بابا رساندم تا گوشت را از کمترین فاصله ببینم.
- گوشت قرمز که می‌گن، اینه؟ می‌شه بهش دست بزنم؟
- البته پسرم. این حق طبیعی توئه.
چشمانم را بستم و شروع کردم به لمس کردن گوشت.
گفتم: بابا! بی‌ادبی نشه، ولی یک خواسته دیگه هم دارم. یکی از بچه‌های کلاسمون دوبار تا حالا گوشت خورده. می‌گه خیلی خوشمزه است. می‌شه از این گوشت چند تا گاز بزنم؟
- باشه، ولی این گوشت خامه. قبلش باید پختش بشه، ادویه و حبوبات بهش اضافه بشه. تبدیل به خورشتی، آبگوشتی چیزی بشه، بعدا بخوریمش.
- ولی بابا! تو تلویزیون چند تا کروکودیل یک گاومیش رو گرفته بودند و بدون پخت‌وپز و ادویه و این مقدمات، داشتند گازش می‌زدند.
- پسرم! شما که کروکودیل نیستی.
در همین لحظه مامان هم سر رسید. بابا گفت: یادته همیشه می‌گفتی تو عرضه نداری یک کیلو گوشت بخری؟ این هم گوشت!
- البته گوشتی که شما خریدی، در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۲۰۰گرم وزنشه.
به من هم گفت: تو هم یک جوری محو تماشاش شدی، انگار بابات، الماس کوه نور آورده تو آشپزخونه. بعد شروع کرد به بوییدن گوشت.
- بوش یک جوریه! گوشتش مطمئنه؟
- می‌دونی چیه زن؟ خیلی وقته گوشت نخوردی، بوش یادت رفته.
بابا گوشت را برداشت و گفت: ناراحتید، برم پسش بدم.
مامان آن را از دست بابا کشید و گفت لازم نکرده!
و چند ساعت بعد ما نیز به جرگه گوشت‌خواران پیوستیم.

ستاره‌یاب

بازی ستاره یاب یک بازی منطقی جذاب و پرطرفدار است که برای اولین بار در مسابقات جهانی بازی‌های منطقی در سال ۲۰۰۳ از آن رونمایی شد و مورد استقبال قرار گرفت.
قوانین بازی: ۱. هر جدول به ۸ منطقه تقسیم شده است که با خطوط پررنگ متمایز شده‌اند. ۲. باید در هر منطقه حتما یک ستاره قرار بدهید. ۳. در هر ردیف، ستون و منطقه نمی‌توان بیش از یک ستاره قرار داد. ۴. ستاره‌ها نباید چسبیده به هم قرار بگیرند (حتی مورب).

شماره ۴۹

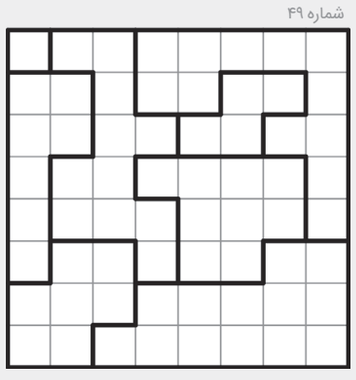

پاسخ شماره ۴۹

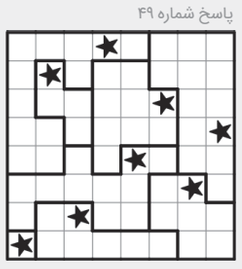

پل سازی

قوانین بازی: ۱. باید برای هر جزیره (دایره) به تعداد عددی که وسط آن نوشته شده است، پل (خطی که جزیره را به یکی از جزایر اطرافش وصل می‌کند) بسازید. ۲. تنها می‌توانید از خطوط راست عمودی یا افقی استفاده کنید و نمی‌توانید خطوط اریب یا اِل بکشید. ۳. بین ۲ جزیره بیش از ۲ پل نمی‌شود ساخت. ۴. پل‌ها نباید همدیگر را قطع کنند ولی در انتها همه جزیره‌ها باید به هم راه داشته باشند.

شماره ۸۸

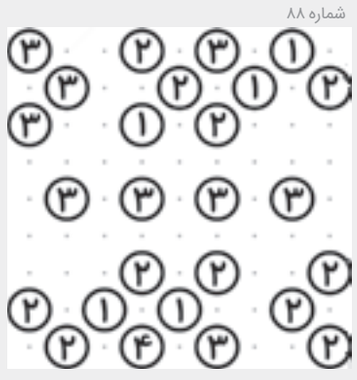

پاسخ شماره ۸۸

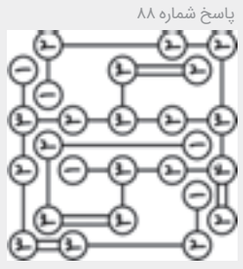

جدول ۲۷۷۲

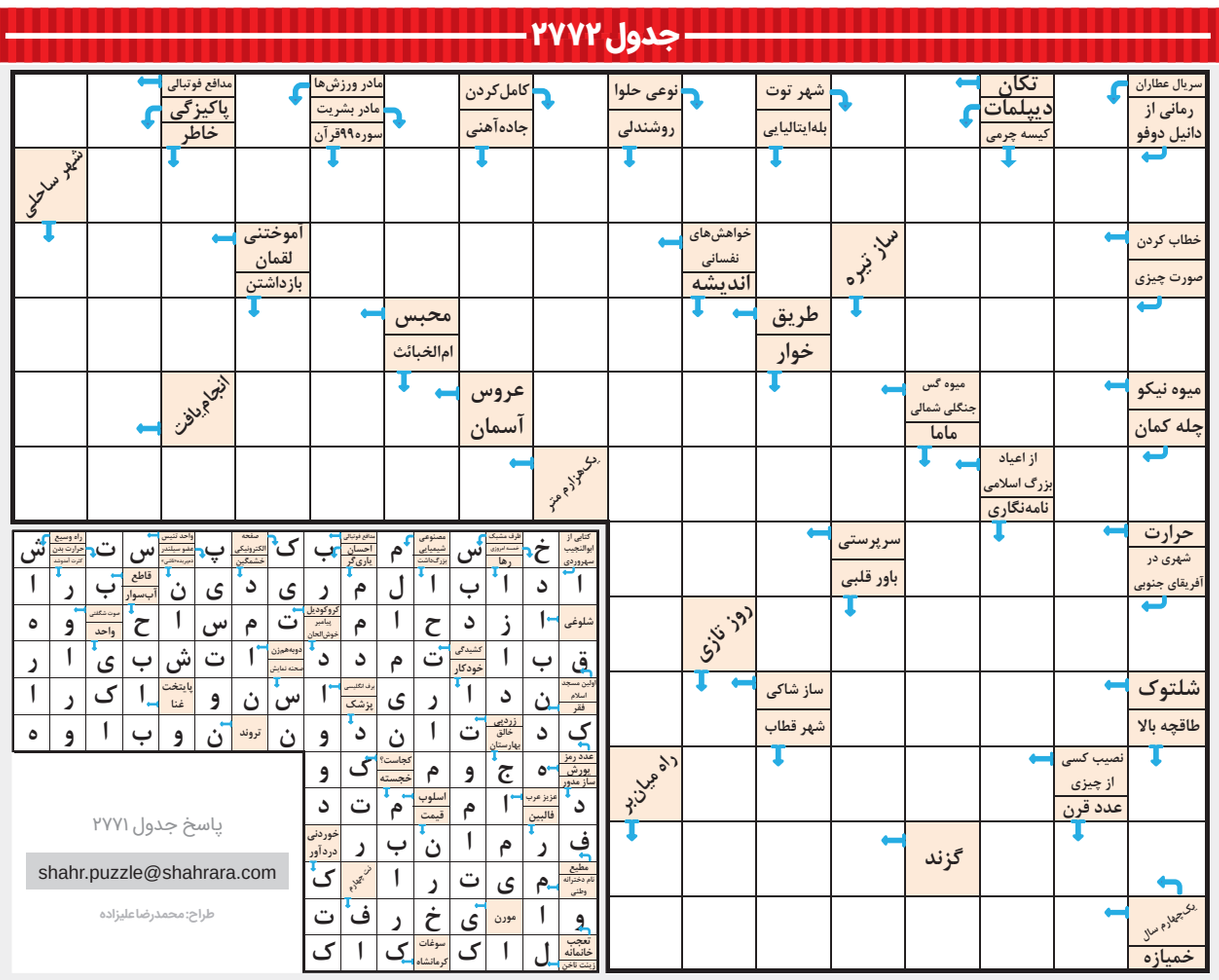

پاسخ جدول ۲۷۷۱

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده

با هم بشنویم؛ عاشقم کی خونه؟ محسن ابراهیم‌زاده ترانه و آهنگش از کیه؟ خود محسن ابراهیم‌زاده حس‌ومالش چیه؟ عاشقانه، ریتم آروم و اهساسی، یه کار متفاوت از محسن ابراهیم‌زاده